

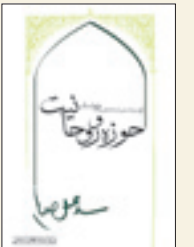
پیش‌خوان

«خوانشی از حوزه و روحانیت»

در آیینه‌اندیشه‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی

متولیان دین چه چالش‌هایی پیش روی دارند؟

■ **شاهد توحیدی**



در تاریخ معاصر ایران، از آن‌روى که روحانیت شیعه جای پایى قابل رصد دارد، پژوهش نیز- قلمداد می‌شود. از ۱۵۰ سال پیش بدین سو، دوست و دشمن به

انجام این کار مبادرت ورزیده و آثاری فراون پدید آورده‌اند. به واقع موج نقض و ابرام در این فوره، از دوران مشروطیت آغاز شد، در مقطع نهضت ملی ایران تداوم یافت، به گاه پیروزی انقلاب اسلامی بالا گرفت و تا هم‌اکنون نیز با رونق ادامه دارد. در این میان اما آنچه شاهان‌امین و اندیشمندان همه‌جانبه‌نگر بیان داشته‌اند، در خور توجه فراوان می‌نماید. در میان آثاری که در این موضوع به مارسیده است، موارد فراوانی از تحلیل‌ها که واجد این صفت هستند، در خور احصاء و ارائه‌اند. بی‌تردید مجموعه بیانات حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای در باره حوزه و روحانیت در عداد این طیف موارد قلمداد می‌شود که موضوع کتابی از مجموعه انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی است. در این پژوهش مجموعه‌ای از مسائل مهم و خرد و کلان در باب تاریخچه و رسالت این نهاد بیان شده است که در مجموع می‌تواند آینه‌های از حال و آینده آن قلمداد شود. به‌طور مشخص آنچه روحانیت ششیه در آینده پیش روی دارد و اینکه این نهاد چگونه باید به مصاف چالش‌ها برود، در عداد مهم‌ترین موضوعات در این اندیشه‌نامه است. آثار نمای‌ناشر در یادداشتی کوتاه، در باب اهمیت موضوعات مطروحه در این کتاب، به نکات بی‌آمده اشارت برده است:

«از میان نیروهای درگیر با رژیم پهلوی، نهاد



▼ **۱۱ فروردین ۱۳۵۸.**
حرم حضرت معصومه (س)

روحانیت مردمی‌ترین و سنتی‌ترین نیرویی بود که توانست در رقابتی سخت، بر سایر ایدئولوژی‌های رقیب پیروز شود و نوع حکومت در ایران را رقم زند. حکومتی که مؤلفه‌های عصر مدرن را با اعتقادات ناب اسلامی پیوند زده‌است. بدین‌سان انقلاب اسلامی ایران با رهبری و پیشگامی نهاد روحانیت به پیروزی رسید و حوزه‌های علمیه نیز خاستگاه و محل پرورش این مبارزان و عالمان دین بودند. لذا حفظ و پایداری شجره طیبیه انقلاب اسلامی، در گروه حوزه‌های علمیه به تحول صحیح و حفظ اصل فقه سنتی و اجتهاد جواهری و بی‌بریزی دستگانه تبلیغ قوی است. پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی، وظایفی بس سنگین را بر عهده روحانیت نهاد که لزوم تحرک بیشتر در جامعه و تأسیس مؤسسات وابسته به حوزه و ارتباط پویا و مداوم با نهادهای دیگر جامعه اسلامی را ایجاب می‌کرد. روحانیت شیعی بعد از پیروزی انقلاب، ضمن حفظ و استمرار وظایف سنتی روحانیت در کسب دانش متعارف حوزوی و تبلیغ دین در هر مناسبتی، به تحول در روشها و تخصصی کردن رشته‌های تحصیلی حوزوی و ساماندهی و برنامه‌ریزی برای استفاده‌بهینه‌از امکانات این نهاد دست زدند. البته این تحول، در مسیر درگونی صحیح در حوزه صورت می‌گیرد. اثر پیش رو مجموعه فرمایشات و بیانات مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، در دیدار با اساتید، فضلا و طلاب و نخبان حوزه‌های علمیه مختلف است که در زیر‌عناوین متنوع تدوین و ساماندهی شده است. مقام معظم رهبری با تذکر وظایف اصلی روحانیت متعهد و جایگاه مهم حوزه در پیروزی انقلاب و استمرار نظام اسلامی، به نحوه‌مدیریت، روش تدریس و تحول در حوزه، به کارگیری شیوه‌های نوین و… تأکید می‌کنند…»

■ **نیما احمدپور**

سرانجام خیر مرگ هنری کیسینجر سیاستمدار نامدار امریکایی، در سن ۱۰۰سالگی منتشر شد! او وهم پیمانانش در حکومت امریکا، در عداد آنان بودند که از طریق نزدیکی و تملق، پهلوی دوم را به همکاری وامی‌داشتند! نتیجه این مراده نزدیک، ایجاد فضای امن برای منافع آن کشور، در ایران و منطقه خاورمیانه بود. در مقال پی آمده، این موضوع به مدد پاره‌های تحلیل‌ها مورد باز‌نمایی قرار گرفته است. امید آنکه تاریخ پژوهان و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

■ ■ ■

■ **کیسینجر به شاه آن را می‌گفت که دوست داشت بشنود!**

هنری کیسینجر که چند روزی است به وادی خاموشان پیوسته را می‌توان از هم پیمانان منتقد شاه در هیئت حاکمه امریکا قلمداد کرد. او و جمهوری خواهان این کشور، به گونه‌ای افراطی حسن‌جاشطی پهلوی دوم را از صا می‌کردند! هم از این روی و طی مدت‌های مدید، به منافع سرشار دست یافتند. او حتی پیش از هر دیدار با محمدرضا پهلوی، اتاق فکری در تشکیل می‌داد تا راه‌های بهتر تملق‌گفتن از او را کشف کند! محمدرضا چیت‌سازان پژوهشگر تاریخ معاصر ایران، موضوع را چنین تحلیل کرده است: «شاید اگر بتوان سرآغازی برای مداخله گسترده امریکا در ایران عنوان کرد، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ش مهم‌ترین مقطع به‌شمار آید. با این‌حال آنچه این مداخله را تثبیت و تحکیم کرد، بی‌شک روی کار آمدن ریچارد نیکسون و وزیر امور خارجه‌اش هنری کیسینجر در امریکا بود. جیمز بیل در این باره گفته است: روابط میان محمدرضا پهلوی و هنری کیسینجر، از زمانی شروع شد که کیسینجر کارمند راکفلر(خانواده ثروتمند امریکایی) بود. این خانواده که روابط ویژه‌ای با شاه داشتند و مناسباتشان از روابط رسمی فراتر می‌رفت، سهم بسزایی در نزدیکی شاه و کیسینجر داشتند. به‌خصوص از هنگامی که موقعیت کیسینجر در صحنه سیاسی امریکا را تقا یافت و وی به عنوان وزیر امور خارجه در دولت نیکسون و بعد از او جرالد فورد، نقش بسزایی در سیاست خارجی امریکا ایفا کرد… بیل بر این باور است که روابط بسیار حسنه شاه و دوستی بی‌سابقه سیاسی و اقتصادی بین ایران و امریکا در اواخر سال‌های ۱۳۴۰ش و اوایل ۱۳۵۰ش، حاصل تأثیر گذاری کیسینجر به عنوان نفوذترین فرد در روند سیاست‌گذاری خارجی ایالات متحده

روحانیت مردمی‌ترین و سنتی‌ترین نیرویی بود که توانست در رقابتی سخت، بر سایر ایدئولوژی‌های رقیب پیروز شود و نوع حکومت در ایران را رقم زند. حکومتی که مؤلفه‌های عصر مدرن را با اعتقادات ناب اسلامی پیوند زده‌است. بدین‌سان انقلاب اسلامی ایران با رهبری و پیشگامی نهاد روحانیت به پیروزی رسید و حوزه‌های علمیه نیز خاستگاه و محل پرورش این مبارزان و عالمان دین بودند. لذا حفظ و پایداری شجره طیبیه انقلاب اسلامی، در گروه حوزه‌های علمیه به تحول صحیح و حفظ اصل فقه سنتی و اجتهاد جواهری و بی‌بریزی دستگانه تبلیغ قوی است. پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی، وظایفی بس سنگین را بر عهده روحانیت نهاد که لزوم تحرک بیشتر در جامعه و تأسیس مؤسسات وابسته به حوزه و ارتباط پویا و مداوم با نهادهای دیگر جامعه اسلامی را ایجاب می‌کرد. روحانیت شیعی بعد از پیروزی انقلاب، ضمن حفظ و استمرار وظایف سنتی روحانیت در کسب دانش متعارف حوزوی و تبلیغ دین در هر مناسبتی، به تحول در روشها و تخصصی کردن رشته‌های تحصیلی حوزوی و ساماندهی و برنامه‌ریزی برای استفاده‌بهینه‌از امکانات این نهاد دست زدند. البته این تحول، در مسیر درگونی صحیح در حوزه صورت می‌گیرد. اثر پیش رو مجموعه فرمایشات و بیانات مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، در دیدار با اساتید، فضلا و طلاب و نخبان حوزه‌های علمیه مختلف است که در زیر‌عناوین متنوع تدوین و ساماندهی شده است. مقام معظم رهبری با تذکر وظایف اصلی روحانیت متعهد و جایگاه مهم حوزه در پیروزی انقلاب و استمرار نظام اسلامی، به نحوه‌مدیریت، روش تدریس و تحول در حوزه، به کارگیری شیوه‌های نوین و… تأکید می‌کنند…»

روانیت مردمی‌ترین و سنتی‌ترین نیرویی بود که توانست در رقابتی سخت، بر سایر ایدئولوژی‌های رقیب پیروز شود و نوع حکومت در ایران را رقم زند. حکومتی که مؤلفه‌های عصر مدرن را با اعتقادات ناب اسلامی پیوند زده‌است. بدین‌سان انقلاب اسلامی ایران با رهبری و پیشگامی نهاد روحانیت به پیروزی رسید و حوزه‌های علمیه نیز خاستگاه و محل پرورش این مبارزان و عالمان دین بودند. لذا حفظ و پایداری شجره طیبیه انقلاب اسلامی، در گروه حوزه‌های علمیه به تحول صحیح و حفظ اصل فقه سنتی و اجتهاد جواهری و بی‌بریزی دستگانه تبلیغ قوی است. پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی، وظایفی بس سنگین را بر عهده روحانیت نهاد که لزوم تحرک بیشتر در جامعه و تأسیس مؤسسات وابسته به حوزه و ارتباط پویا و مداوم با نهادهای دیگر جامعه اسلامی را ایجاب می‌کرد. روحانیت شیعی بعد از پیروزی انقلاب، ضمن حفظ و استمرار وظایف سنتی روحانیت در کسب دانش متعارف حوزوی و تبلیغ دین در هر مناسبتی، به تحول در روشها و تخصصی کردن رشته‌های تحصیلی حوزوی و ساماندهی و برنامه‌ریزی برای استفاده‌بهینه‌از امکانات این نهاد دست زدند. البته این تحول، در مسیر درگونی صحیح در حوزه صورت می‌گیرد. اثر پیش رو مجموعه فرمایشات و بیانات مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، در دیدار با اساتید، فضلا و طلاب و نخبان حوزه‌های علمیه مختلف است که در زیر‌عناوین متنوع تدوین و ساماندهی شده است. مقام معظم رهبری با تذکر وظایف اصلی روحانیت متعهد و جایگاه مهم حوزه در پیروزی انقلاب و استمرار نظام اسلامی، به نحوه‌مدیریت، روش تدریس و تحول در حوزه، به کارگیری شیوه‌های نوین و… تأکید می‌کنند…»

عاریخ

تاریخ ۶۰۰۶۰۲۲۳۸۸۵



هنری کیسینجر و تشکیل اتاق فکر برای تملق از محمدرضا پهلوی

مردی که شاه را

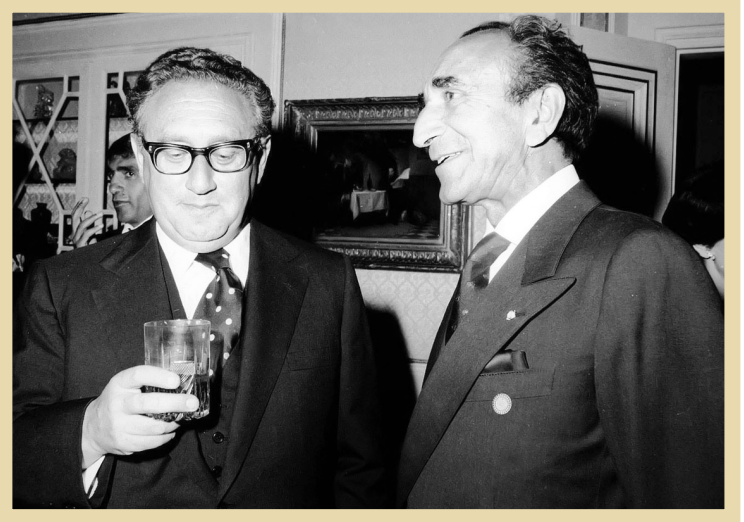
به توهم روزافزون سوق می‌داد!

امریکااست. به عبارت دقیق‌تر شاه که ابزار بسیار

مناسبی برای عملیاتی کردن استراتژی منطقه‌ای کیسینجر به‌شمار می‌آمد، همواره از حمایت وی بهره‌مند بود. به گونه‌ای که برخی منابع بر این باورند که شاه ایران، تنها کسی بود که کیسینجر بیش از نیکسون درباره او تملق و چاپلوسی می‌کرد! کیسینجر هنگامی که می‌خواست شاه را ملاقات کند، تمام تلاش خود را می‌کرد تا به گونه‌ای رفتار کند که به شاه آنچه دوست دارد القا شود، او قصد داشت این حس را به شاه القا کند که او شاه شاهان است! وی برای اینکه با شاه چگونه روبه‌رو شود، جلسات توجیحی داشت و در این جلسات او با گفته می‌شد که چگونه رفتار کند تا این برداشت در محمدرضا پهلوی تقویت شود که ارزش وی برای واشنگتن بی‌بدیل است. در واشنگتن این باور وجود داشت که اگر امریکایی خواهد ایران امنیت خلیج فارس و جریان آزاد انرژی را به بهترین شکل تأمین کند، باید حمایت تام و تمامی از شاه به عمل آورد و هر آنچه شاه می‌خواهد، را در اختیار او قرار دهد. هرچند در پنتاگون و وزارت امور خارجه امریکا با این رویکرد مخالفت‌هایی شد، اما کیسینجر معتقد بود که باید مخالفت‌ها را بی‌نتیجه گذاشت! اتاق فکری شاه می‌خواهد، در اختیار او قرار داد. کیسینجر خود به‌صراحت گفته است: شاه به‌خوبی می‌توانست خلأ حاصله از خروج نیروهای انگلستان از منطقه خلیج فارس را پر کند و در برابر تحریکات عناصر افراطی و رادیکال و عوامل شوروی در منطقه بایستد و این کاملاً در راستای استراتژی منطقه‌ای و منافع ملی ایالات متحده امریکا بود…»

■ **سود سرشاری که از تیاتر دوستی، به جیب امریکارفت!**

واقعیت آن است که جمهوری خواهان امریکا با رویکرد تبلیغی- روانی خویش به شاه، دستاوردهای فراوانی یافتند. ایران را به محلی‌سرای درآمد خود مبدل ساختند، کشورمان را نماینده و ژاندارم امریکا در منطقه قرار دادند و پهلوی دوم را به شعارها و القاب پوچ مشغول داشتند!سید مرتضی حسینی پژوهشگر تاریخ معاصر ایران، سیاهه منافع امریکا در دوره مسئولیت کیسینجر را اینگونه به قلم آورده است: «در پاسخ به عطشی و اعلام آمادگی محمدرضا پهلوی در سال ۱۳۵۱ش نیکسون و کیسینجر و ایفا کرد… بیل بر این باور است که روابط بسیار حسنه شاه و دوستی بی‌سابقه سیاسی و اقتصادی بین ایران و امریکا در اواخر سال‌های ۱۳۴۰ش و اوایل ۱۳۵۰ش، حاصل تأثیر گذاری کیسینجر به عنوان نفوذترین فرد در روند سیاست‌گذاری خارجی ایالات متحده



دردک متقابل باعث شد تا ایالات متحده امریکا علاوه بر ایفای نقش حامی برای رژیم پهلوی، به نوعی شریک اقتصادی و سیاسی آن نیز محسوب شود، رویکردی که تا حد زیادی ثمره اقدامات هنری کیسینجر و رایزنی‌های مداوم او بود. رابطه دوستانه محمدرضا پهلوی و کیسینجر، به دوران ریاست‌جمهوری جمهوری خواهان محدود نماند. پس از راهپایی جیمی کارتر به کاخ سفید در سال ۱۹۷۶م، شاه که از مواضع متفاوت و انتقادی او نسبت به همکاری‌های نظامی و مالی ایران و امریکا نگران بود، برای تداوم این پیوندهای حیاتی به تکاپو افتاد. او شخصاً با به واسطه اردشیر زاهدی سفیر ایران در امریکا، از دوستان خود در کنگره امریکا و مقامات عالی‌رتبه حکومتی این کشور از جمله هنری کیسینجر، کمک گرفت و به سرعت توانست نظر کارتر را نسبت به این موضوع تعدیل کند…»

■ **ایران، نیروی نیابتی امریکا در خاورمیانه!** همان گونه که اشارت رفت، دولت امریکا با هدایت کیسینجر و از طریق مراودات نزدیک با شاه، بسیاری از اهداف خویش در منطقه خاورمیانه را به پیش می‌برد. در ابعاد منطقه‌ای، ایران وظیفه داشت تا از نزدیکی کمونیسم به قلمرو منافع امریکا جلوگیری کند، به کردهای شورشی عراق علیه حکومت مرکزی سلاح برساند یا به فرآیند همچنان سکندار وزارت امور خارجه هنری کیسینجر بر سیاست حمایت نظامی و اقتصادی از رژیم شاه تأکید می‌کرد. سفرهای مکرر هنری کیسینجر به ایران به عنوان شخصیتی که نقش اصلی را در روابط سیاسی و اقتصادی دو کشور ایفا می‌کرد، سهم قابل توجهی در نفوذ اقتصادی ایالات متحده امریکا در ایران داشت. او در ماه نوامبر سال ۱۹۷۴م (آبان ۱۳۵۳ش)، به ایران آمد. نتیجه اشراقی وزیر اقتصاد و متعدد کیسینجر با مقامات ایرانی، تشکیل کمسیون مشترک همکاری‌های اقتصادی ایران و امریکا در تهران بود. این کمسیون در زمینه انتقال تکنولوژی و کمک فنی به ایران، پنج کمیته شامل: کشاورزی، اقتصادی و مالی، نیروی انسانی، کشاورزی، انرژی، علوم و آموزش تشکیل داد. چهار ماه بعد و در اسفند سال ۱۳۵۳ش (۴ مارس ۱۹۷۵)، قرارداد ی بین هنری کیسینجر و هوشنگ انصاری وزیر اقتصاد و دارایی ایران امضا شد. ارزش این قرارداد اقتصادی بدون در نظر گرفتن صادرات نفتی، ۱۵ میلیارد دلار پنج‌میلیارد دلار برای ساخت یکده‌هزار دستگاه آپارتمان و ۲۵ بیمارستان با ظرفیت سه‌هزار تخت، تأسیس یک مجتمع الکترونیک، ساخت کارخانه تولید مواد حشره کش، تأسیس کارخانه ساخت ماشین‌آلات کشاورزی، احداث بزرگراه‌ها و مراکز آموزش حرفه‌ای بود. کیسینجر در ادامه سفرهایش به ایران، بار دیگر در مرداد سال ۱۳۵۵ش (آگوست ۱۹۷۶م)، در رأس هیئتی به ایران آمد. دستاورد این سفر نیز امضای بزرگ‌ترین قرارداد منعقد در تاریخ روابط دو کشور بود که در نتیجه آن ایران به یکی از شرکای بزرگ امریکا تبدیل شد. براساس این قرارداد، حجم مبادلات دو کشور تا سال ۱۳۵۹ (۱۹۸۱) به ۴۰ میلیارد دلار بالغ می‌شد. کیسینجر در دیدارهای خود با محمدرضا پهلوی، همواره بر منافع هم‌راستا و درک مشترک دو کشور از تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی تأکید و شاه را همیمان بدون قید شرط و خاص‌ترین رهبر دنیا معرفی می‌کرد! این

خارج کردند، پس از رسوایی واترگیت در جولای ۱۹۷۴ (مرداد ۱۳۵۳ش) که به استعفای نیکسون و به قدرت رسیدن معاون اول او یعنی جرالد فورد انجامید، تغییر چندانی در سیاست خارجی امریکا نسبت به ایران رخ نداد. به ویژه اینکه هنری کیسینجر همچنان سکندار وزارت امور خارجه هنری کیسینجر بر سیاست حمایت نظامی و اقتصادی از رژیم شاه تأکید می‌کرد. سفرهای مکرر هنری کیسینجر به ایران به عنوان شخصیتی که نقش اصلی را در روابط سیاسی و اقتصادی دو کشور ایفا می‌کرد، سهم قابل توجهی در نفوذ اقتصادی ایالات متحده امریکا در ایران داشت. او در ماه نوامبر سال ۱۹۷۴م (آبان ۱۳۵۳ش)، به ایران آمد. نتیجه اشراقی وزیر اقتصاد و متعدد کیسینجر با مقامات ایرانی، تشکیل کمسیون مشترک همکاری‌های اقتصادی ایران و امریکا در تهران بود. این کمسیون در زمینه انتقال تکنولوژی و کمک فنی به ایران، پنج کمیته شامل: کشاورزی، اقتصادی و مالی، نیروی انسانی، کشاورزی، انرژی، علوم و آموزش تشکیل داد. چهار ماه بعد و در اسفند سال ۱۳۵۳ش (۴ مارس ۱۹۷۵)، قرارداد ی بین هنری کیسینجر و هوشنگ انصاری وزیر اقتصاد و دارایی ایران امضا شد. ارزش این قرارداد اقتصادی بدون در نظر گرفتن صادرات نفتی، ۱۵ میلیارد دلار پنج‌میلیارد دلار برای ساخت یکده‌هزار دستگاه آپارتمان و ۲۵ بیمارستان با ظرفیت سه‌هزار تخت، تأسیس یک مجتمع الکترونیک، ساخت کارخانه تولید مواد حشره کش، تأسیس کارخانه ساخت ماشین‌آلات کشاورزی، احداث بزرگراه‌ها و مراکز آموزش حرفه‌ای بود. کیسینجر در ادامه سفرهایش به ایران، بار دیگر در مرداد سال ۱۳۵۵ش (آگوست ۱۹۷۶م)، در رأس هیئتی به ایران آمد. دستاورد این سفر نیز امضای بزرگ‌ترین قرارداد منعقد در تاریخ روابط دو کشور بود که در نتیجه آن ایران به یکی از شرکای بزرگ امریکا تبدیل شد. براساس این قرارداد، حجم مبادلات دو کشور تا سال ۱۳۵۹ (۱۹۸۱) به ۴۰ میلیارد دلار بالغ می‌شد. کیسینجر در دیدارهای خود با محمدرضا پهلوی، همواره بر منافع هم‌راستا و درک مشترک دو کشور از تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی تأکید و شاه را همیمان بدون قید شرط و خاص‌ترین رهبر دنیا معرفی می‌کرد! این

خارج کردند، پس از رسوایی واترگیت در جولای ۱۹۷۴ (مرداد ۱۳۵۳ش) که به استعفای نیکسون و به قدرت رسیدن معاون اول او یعنی جرالد فورد انجامید، تغییر چندانی در سیاست خارجی امریکا نسبت به ایران رخ نداد. به ویژه اینکه هنری کیسینجر همچنان سکندار وزارت امور خارجه هنری کیسینجر بر سیاست حمایت نظامی و اقتصادی از رژیم شاه تأکید می‌کرد. سفرهای مکرر هنری کیسینجر به ایران به عنوان شخصیتی که نقش اصلی را در روابط سیاسی و اقتصادی دو کشور ایفا می‌کرد، سهم قابل توجهی در نفوذ اقتصادی ایالات متحده امریکا در ایران داشت. او در ماه نوامبر سال ۱۹۷۴م (آبان ۱۳۵۳ش)، به ایران آمد. نتیجه اشراقی وزیر اقتصاد و متعدد کیسینجر با مقامات ایرانی، تشکیل کمسیون مشترک همکاری‌های اقتصادی ایران و امریکا در تهران بود. این کمسیون در زمینه انتقال تکنولوژی و کمک فنی به ایران، پنج کمیته شامل: کشاورزی، اقتصادی و مالی، نیروی انسانی، کشاورزی، انرژی، علوم و آموزش تشکیل داد. چهار ماه بعد و در اسفند سال ۱۳۵۳ش (۴ مارس ۱۹۷۵)، قرارداد ی بین هنری کیسینجر و هوشنگ انصاری وزیر اقتصاد و دارایی ایران امضا شد. ارزش این قرارداد اقتصادی بدون در نظر گرفتن صادرات نفتی، ۱۵ میلیارد دلار پنج‌میلیارد دلار برای ساخت یکده‌هزار دستگاه آپارتمان و ۲۵ بیمارستان با ظرفیت سه‌هزار تخت، تأسیس یک مجتمع الکترونیک، ساخت کارخانه تولید مواد حشره کش، تأسیس کارخانه ساخت ماشین‌آلات کشاورزی، احداث بزرگراه‌ها و مراکز آموزش حرفه‌ای بود. کیسینجر در ادامه سفرهایش به ایران، بار دیگر در مرداد سال ۱۳۵۵ش (آگوست ۱۹۷۶م)، در رأس هیئتی به ایران آمد. دستاورد این سفر نیز امضای بزرگ‌ترین قرارداد منعقد در تاریخ روابط دو کشور بود که در نتیجه آن ایران به یکی از شرکای بزرگ امریکا تبدیل شد. براساس این قرارداد، حجم مبادلات دو کشور تا سال ۱۳۵۹ (۱۹۸۱) به ۴۰ میلیارد دلار بالغ می‌شد. کیسینجر در دیدارهای خود با محمدرضا پهلوی، همواره بر منافع هم‌راستا و درک مشترک دو کشور از تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی تأکید و شاه را همیمان بدون قید شرط و خاص‌ترین رهبر دنیا معرفی می‌کرد! این

هنری کیسینجر در کنار محمدرضا پهلوی



■ **چند و چون «دیپلماسی خاویار»** احساس نزدیکی شاه به امریکا در دوره ریاست جمهوری ریچارد نیکسون و وزارت خارجه هنری کیسینجر، او را به صرافت انداخت تا مسائل کلان را با استفاده از روابط شخصی پیش برده! اردشیر زاهدی به عنوان نماینده پهلوی دوم در امریکا، مسئول این امر شده بود. او با ایجاد ارتباطات شخصی با مسئولان این کشور، از شیوه‌هایی گوناگون مانند «دیپلماسی خاویار» مدد می‌جست! علی‌احمدی فراهانی پژوهشگر تاریخ معاصر ایران، در بسط این رویکرد نگاهشته است:

«روابط شخصی شاه و نیکسون سبب شد تا در فوریه ۱۹۷۰، نیکسون در نامه‌ای به محمدرضا پهلوی بنویسد که با او هم‌عقیده است که ایران باید نقش مهم‌تری را در دکترین نیکسون ایفا کند: همانگونه که استحضار دارید، اندیشه‌های شما و من در این‌باره و در بسیاری از موارد دیگر مشترک است و همانگونه که در مسافرت سال پیش فرمودید، در بسیاری از مواضع در خصوص مشکلات منطقه با شما هم‌عقیده هستیم…» اردشیر زاهدی وزیر امور خارجه ایران (۱۳۴۵-۱۳۵۰) نیز، در خاطراتش اشاره می‌کند که در دوران پهلوی تلاش می‌شد تا از طریق شخصی‌سازی روابط خارجی، دسترسی به اهداف جاه‌طلبانه شاه تسهیل شود. او در این‌باره می‌گوید: در زمانی که وزیر امور خارجه بودم، با توجه به شناختی که از علاقه مسئولان خارجی به خاویار ایران داشتم، مراتب را به شاه رساندم. او نیز به شيلات دستور داد که سهمیه‌ای برای وزارت خارجه در نظر گرفته شود. این ابتکار ما، معروف به دیپلماسی خاویار شد… استفاده از روابط شخصی در توسعه برنامه‌های امنی، یکی دیگر از مسائل مهم در دوران پهلوی دوم است. دکتر اعتماد رئیس سازمان انرژی اتمی ایران، به نگرانی برخی از محافل در امریکا در خصوص برنامه اتمی ایران اشاره کرده و می‌گوید: در سال اول کارمان با یک حقوقدان امریکایی که پیش‌تر عضو کمسیون انرژی اتمی امریکا بود، قراردادی داشتیم تا او به‌طور مرتب آنچه را که در دولت امریکا و در کنگره درباره انرژی اتمی مورد بحث است، برای ما جمع‌آوری کند و نیز خواسته بودم که برده همه جزایر امریکا را که راجع به برنامه انرژی اتمی ایران می‌نویسد، برایم بفرستد. از مجموع آنچه در امریکا نوشته می‌شد، برمی‌آمد که در برخی محافل امریکا نوع نگرانی نسبت به برنامه اتمی ایران وجود دارد…»

■ **مراودات کیسینجر باشاه، در پی پیروزی انقلاب اسلامی**

جمهوری خواهان امریکا در پی پیروزی انقلاب اسلامی عیان‌داشتند، اگر امریکا در این شرایط خطیره به شاه اجازه اقامت در آن کشور را ندهد، دیگر هم پیمانان خویش در سراسر جهان را از دست خواهد داد! از سوی دیگر دموکرات‌ها، خود را عمل‌گرات نشان می‌دادند و اعتقاد داشتند که در دوره عصیانیت ملت ایران، نباید خشم آنان را شعله ور ساخت و بر روی آتش بیزین ریخت! هم از این روی شاه طی مدتی، اجازه ورود به امریکا را نیافت و در کشورهای گوناگون به حالت در به در به سر می‌برد! با این همه و به هنگام بالاگرفتن بیماری محمدرضا پهلوی، هنری کیسینجر با تلاش فراوان دولت کارتر را متقاعد کرد که ولودر مدتی نسبتاً کوتاه، به شاه اجازه سفر استلاچی بدهد. چیت‌سازبان در پژوهش خویش، ماجرا را به این قرار روایت کرده است:

«روابط شاه و کیسینجر، پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران نیز ادامه داشت. به گونه‌ای که کیسینجر تمام تلاش خود را کرد که تقاضای شاه برای ورود به امریکا، با پاسخ مثبت‌کننده روپه‌ور شود. در واقع کیسینجر هماهنگ‌کننده کوشش‌هایی بود که برای ورود شاه به خاک امریکا انجام می‌شد. هرچند تلاش کیسینجر برای ورود محمدرضا پهلوی به خاک امریکا از بهمن ۱۳۵۷ش آغاز شده بود، اما این تلاش‌ها در فاصله از بهمن ۱۳۵۸ش تا تیر ۱۳۵۸ش به بیشترین حد خود رسید، تا دولت کارتر روایت ورود شاه به خاک امریکا را صادر کند. در همین ارتباط جیمز بیل گفته است: دادن اجازه به شاه برای ورود به خاک امریکا، مسئله مهم برای پژوهش و بررسی قدرت بازیگران غیر رسمی در روند سیاست‌پردازی خارجی امریکا به‌شمار می‌آید. ضمن آنکه بیانیگر روابط ایران و امریکا، می‌پوشد و پس از انقلاب کوبنده ۱۳۵۷ش است…» بیل در کتاب خود به نظرات بسیاری از مشاوران و کارشناسان وزارت امور خارجه اشاره کرده است که همگی متفق‌القول بر این باور بودند که ورود شخص محمدرضا پهلوی به خاک امریکا، به ضرر منافع ملی امریکااست و این تصمیم دولت امریکا، می‌تواند عواقب جدی برای منافع این کشور به همراه داشته باشد. برخی از این کارشناسان حتی پیش‌بینی کرده بود که با ورود محمدرضا پهلوی به خاک امریکا، امکان گروگانگیری نیروهای سفارت امریکا در ایران نیز وجود دارد. ویلیام سسولیان آخرین سفیر امریکا در ایران نیز، با این نظر همراه بود و توصیه کرد که اجازه ورود شاه به خاک امریکا داده نشود. اما کیسینجر که حامی اصلی ورود محمدرضا پهلوی به امریکا بود، به واسطه ارتباطت گسترده‌ای که در داخل و خارج از امریکا داشت، در نهایت توانست خواست خود را به کرسی نشاند و اجازه ورود شاه به خاک امریکا و اقامت وی در این کشور برای معالجه را دریافت نماید. این تصمیم برای واشنگتن بسیار گران و در نهایت به قیمت تسخیر سفارت این کشور تمام شد. امری که در نهایت به قطع روابط ایران و امریکا به دستور کارتر منتهی شد و آغازگر یک دوره طولانی، از تنش و تخاصم در روابط تهران -واشنگتن بود…»